

راهِ بی سرانجام

نگاهی به سرگذشت آسوریان
در جنگ اول جهانی

سیروان خسروزاده

www.ketab.ir

عنوان و نام پدیدآور	: راه بی سرانجام: نگاهی به سرگذشت آسوریان در جنگ اول جهانی / سیروان خسروزاده.
مشخصات نشر	: تهران: شیرازه کتاب ما، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۳۰۵ص: مصور، جدول: ۱۴/۵×۱۱/۵ س م.
فروست	: مجموعه تاریخ معاصر ایران: ۷۵.
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
عنوان دیگر	: نگاهی به سرگذشت آسوریان در جنگ اول جهانی.
موضوع	: قتل عام آسوریان، ۱۹۳۳ م. Massacres of Assyrians, 1933
موضوع	: جنگ جهانی اول، ۱۹۱۴-۱۹۱۸، آسوریان Word War, 1914-1918—Assyrians
موضوع	: جنگ جهانی اول، ۱۹۱۴-۱۹۱۸ م. —ایران Word War, 1914-1918—Iran
موضوع	: آسوریان —ایران —آذربایجان —سرگذشتنامه Assyrians—Iran—Azerbaijan—Biography
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۱۴-۶۹-۵
رشته	: خسروزاده، سیروان، ۱۳۶۱-

وضعیت فهرست نویسی	: فیا
بندی کنگره	: ۱۳۹۷ خ ۸/۵/۸ DSV
رده بندی دیویی	: ۵۲۶۱۶۹۳
شماره کتابخانه	: ۵۲۶۱۶۹۳



راه بی سرانجام نگاهی به سرگذشت آسوریان در جنگ اول جهانی

نویسنده: سیروان خسروزاده
انتشارات شیرازه کتاب ما
طراح جلد: پردیس خرم
تیراژ: ۶۶۰ نسخه
چاپ اول: ۱۳۹۷
حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵
تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱
همراه: ۰۹۳۶-۹۵۰۰۱۸۲
سایت: www.shirazehketab.net



فهرست مطالب

۹	یادداشت دبیر مجموعه
۱۱	مقدمه
۱۷	فصل اول: در آستانه طوفان
۲۰	آسوریان ایران
۲۲	ظهور و رشد ناسیونالیسم آسوری
۳۰	گسترش نفوذ روسیه
۳۹	نسطوریان عثمانی
۴۴	شورش بدرخان و سرآغاز رویارویی میان کرد و آسوری
۴۷	عبدالحمید دوم و سیاست نفاق افکنی
۵۰	روس ها و مارشیمون
۵۵	فصل دوم: آتش جنگ
۵۵	در تدارک رویارویی

۶۰		حملة عثمانی و عقب‌نشینی اولیه
۸۴		حملات عثمانی‌ها به نسطوریان کوهستانی
۸۶		بازگشت روس‌ها به ارومیه
۹۶		وداع با سرزمین مادری
۱۰۳		ورود نسطوریان کوهستانی به آذربایجان
۱۱۰		انتقام از کردها

۱۱۵		تسلیم سوم: رها به حال خود
۱۱۵		فروپاش روس
۱۲۲		تسلیم مسیحیان
۱۳۵		جنگ مسلمانان و مسیحیان در ارومیه
۱۵۳		سمکو وارد می‌شود
۱۵۹		کشته شدن مارشیمون
۱۷۷		آق‌ایطرس، دست انتقام
۱۸۳		وقایع سلماس

۱۹۱		فصل چهارم: نابودی مسیحیان
۱۹۵		پیشروی مجدد قوای عثمانی
۲۰۲		حملة آندرانیک و قتل عام مسیحیان خوی
۲۱۰		وداع با ارومیه

۲۲۹		فصل پنجم: سرنوشت آسوریان بعد از جنگ
۲۲۹		آمال بر باد رفته
۲۳۲		کنفرانس صلح پاریس

۲۳۵	آسوری‌ها و بریتانیا.....
۲۳۹	سرانجام آسوریان ایران.....
۲۵۱	نتیجه‌گیری.....
۲۵۷	پیوست ۱: عاقبت آسوریان حکاری.....
۲۶۹	پیوست ۲: نقطه نظرات و مطالبات نمایندگان آسوریان ارومیه.....
۲۷۱	پیوست ۳: اهداف و مقاصد آسوریان.....
۲۷۳	منابع و مآخذ فارسی، کردی و انگلیسی.....
۲۷۹	فهرست اعلام.....
۲۹۷	تصاویر.....

مقدمه

ارمنیان به دلایل فراوان این مسئله را از منظر بین‌المللی شدن مسئله قتل عام‌هایی که از آنان صورت گرفت برای بسیار دیر زمان دنیا شناخته شده می‌باشند، اما مسئله آسوریان که از سرگذشت و سرنوشتی مشابه با ارمنیان برخوردار است، تقریباً تحت الشعاع قضیه آنان قرار گرفته و بنابراین آنچنانکه لازمست مورد توجه قرار نگرفته است، به‌طوری که تنها شماری بسیار اندک از مردم، آنهم اهل تاریخ، از آنچه در دهه‌های نخست قرن بیستم بر آنان گذشت اطلاع دارند. آسوریان اگرچه به لحاظ شمار و نفوس در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم جزو کوچکترین ملل مسیحی بودند، اما در عین حال به نسبت شمار کم‌شان به لحاظ تأثیرگذاری شاید مهمترین بودند و از همین رو برد که حتی به آلمان کوچک نیز شهرت یافتند.¹ این ملت کوچک و فراموش شده در اواخر قرن نوزدهم و تقریباً همزمان با رشد ناسیونالیسم ارمنی در مسیر ناسیونالیسم قدم گذاشت و بیش از پیش مورد توجه قدرت‌های بزرگ قرار

1. Joel E. Werda, *The Flickering Light of Asia or The Assyrian Nation and Church*, published by the Author, 1924, p.6.

گرفت. آسوریان با آغاز جنگ جهانی اول به دنبال تحریکات روس‌ها و سپس انگلیسی‌ها به نفع متفقین و علیه دولت عثمانی درگیر جنگ شدند و مصائب زیادی را از سر گذراندند. در ابتدا مارشیمون پیشوای دینی نسطوریان عثمانی امیدوار بود با جلب حمایت روس‌ها بتواند در ناحیه حکاری امارتی خودمختار تأسیس نماید. روشنفکران آسوری ارومیه نیز در نتیجه چندین دهه تبلیغات میسیونری‌ها دستخوش برخی آمال ناسیونالیستی شده بودند. طبیعتاً روس‌ها هم آنان را به چنین مواعیدی تشویق نموده بودند و شورش نسطوریان کوهستانی در برابر ترک‌ها در همین چارچوب بود. عدم یاری روسی به متح روس‌ها به این متحد کوچک باعث شد آنان از سرزمین اصلی خود در محاصره حکاری آواره شده، به ارومیه و سلماس پناه بیاورند. نسطوریان هرگز نتوانستند که این مهاجرت همیشگی خواهد بود و دیگر هیچگاه نخواهند توانست به خانه و کاشانه‌شان بازگردند. با آمدن آنها به آذربایجان و پیوستنشان به آسوریان و ارمنیان بومی محل یک اقلیت مسیحی قابل ملاحظه شکل گرفت و به دنبال انقلاب اکبر و عقب‌نشینی قوای روس به کشورشان، این اقلیت قابل ملاحظه به اصلی‌ترین متحد متفقین و بویژه انگلیس در منطقه تبدیل شد. اگرچه ارمنیان در تشکیلات مسلح مسیحی، آسوریان را همراهی کردند ولی باید توجه داشت که اصلی آن رویارویی‌ها بر دوش ارمنیان مهاجر قرار داشت. به هر حال مسیحیان بعد از چندین ماه پایداری بالاخره در جریان پیشروی قوای عثمانی به داخل آذربایجان از آنان شکست خورده و ناچار به ترک آذربایجان و حرکت به خارج‌های تحت اشغال بریتانیا در امتداد محور همدان-کرماتشاه و بین‌النهرین شدند. با پایان یافتن جنگ نه‌تنها در وضعیت آنان بهبودی خاصی ایجاد نشد، بلکه به‌جز آسوریان ایرانی که بخشی از آنها به ایران بازگشتند، سایرین رنج و مشقت‌های زیادی از سر گذرانده و تا چند دهه بعد که بالاخره در عراق و سوریه به‌صورت پراکنده اسکان داده شدند، در آوارگی و فلاکت مطلق به‌سر بردند.

شاید به جرأت بتوان ادعا کرد هیچ ملتی همچون آسوری‌ها از جنگ صدمه ندید و این در حالی بود که متفکین بخشی از موفقیت‌های خود در برابر عثمانی را مرهون همکاری این متحد کوچک بودند. متأسفانه در تاریخ ایران تا به امروز هنوز به درستی روایتی جامع و مستند از جنگ اول جهانی ارائه نشده است و با این وصف قاعدتاً نباید انتظار داشت در رابطه با مسئله جزئی‌ترین نقش آسوریان در آن جنگ پژوهش و بررسی درخوری انجام شده باشد. پژوهش حاضر که با هدف رفع این کاستی به انجام رسیده بر این باور است که بیان تحلیلی و ارزیابی دقیق‌تری از مسئله آسوریان و عملکرد آنان طی جنگ جهانی اول لازم و ضروری بود عوامل و انگیزه‌های مؤثر در رویکردهای آنان شناسایی و تشریح گردند. در همین چارچوب نگاهی به گذشته و بررسی آنچه در چند دهه قبل از جنگ جهانی نخست بر آسوریان در عثمانی و ایران گذشته مهم است. تنها با آگاهی از چنین پیشینه‌ای عملکرد آسوریان در ربع نخست قرن بیستم قابل درک می‌باشد. در همین زمینه ضمن اشاره به پیشینه تاریخی آسوریان، فعالیت‌های میسیونری‌های مسیحی میان آنان و ظهور و رشد ناسیونالیسم آسوری نیز مورد بررسی قرار گرفته است، به عبارت دیگر قبل از بررسی نقش مسیحیان آسوری در جنگ جهانی اول، زمینه‌ها و پیشینه عملکرد آنان در دهه‌های قبل واکاوی شده است.

تدوین این بررسی که با صدمین سالگرد وقایعی چون ترور مل‌نسیمون، قتل عام مسیحیان خوی، آواره شدن مسیحیان ارومیه، اتمام جنگ جهانی اول و مواردی از این قبیل توأم شده است، با دشواری‌های زیادی مواجه شد. یکی از مهمترین این دشواری‌ها اختلاف نظرهای شدید نویسندگان آسوری و مسلمان در روایت وقایع دوره مورد بحث است. در این روایات هر کدام از طرفین دیگری را مقصر و خود را بی‌گناه جلوه داده‌اند. در چنین وضعیتی

کشف حقیقت و بررسی صحت و کذب ادعاهای مختلف طرفین اگرچه به‌طور کلی ناممکن نبود، اما بسیار دشوار و زمانبر بود. از جمله دیگر دشواری‌ها باید به بی‌دقتی‌هایی اشاره کرد که در ثبت تاریخ وقوع حوادث و رخدادها صورت گرفته است. از این لحاظ مورخان ایرانی و آسوری و غربی در بسیاری موارد روایات ضد و نقیضی از زمان وقایع و رخدادها ارائه می‌دهند و یافتن روایت درست بسی دشوار بود. در تدوین پژوهش حاضر به‌طور مفصل از نوشته‌های نویسندگان آسوری، غربی، و ایرانی و تا اندازه‌ای از منابع کُردی بهره گرفته شده است. علاوه بر این، گزارش‌های موجود در روایات فارسی و اسناد وزارت خارجه که کمک شایانی به رفع برخی مسائل و ابهامات مآخذ مرقوم نموند، نیز استفاده شده است. تاریخنگاران ایرانی که با مسئله آسوریان در دوره مورد بحث در بررسی حاضر هم‌زمان بوده و در این چارچوب یادداشت‌هایی از خود به‌جای گذاشته‌اند به‌طور کلی آذربایجانی بوده‌اند و از همین رو توانسته‌اند بی‌طرفی خود را حفظ نمایند و آنچنانکه مشاهده خواهد شد حتی مورخ شهیری چون احمد کسروی نیز از این لغزش مبرا نمانده است. درواقع این نویسندگان در رویکردی یکجانبه‌گرایانه بسیاری حقایق، از جمله پارسی‌ها، صائب و بدبختی‌هایی که بر سر مسیحیان آذربایجان اعم از گناهکار و بی‌گناه مد را تحت الشعاع عملکرد نامطلوب بخشی از آنان در ارومیه و حومه آن قرار داده و از این لحاظ تصویری خلاف واقع از مسئله ارائه داده‌اند؛ علاوه بر این به‌نظر می‌رسد آنان در بحث از عملکرد عثمانی در وقایع این ایام آنگونه که شایسته مقام تاریخنگار است حقایق را بازگو نکرده‌اند، تا آنجا که در بسیاری موارد نقش و عملکرد قوای عثمانی در تحولات ناحیه را به سطح عملکرد عشایر کُرد تقلیل داده، محدود ساخته‌اند. این مسئله البته موضوع یک بررسی جداگانه است با این حال به‌رغم این محدودیت، در جاهایی از

پژوهش حاضر در رد چنین کوتاهی‌هایی اشارات و انتقاداتی صورت گرفته است. از طرف دیگر، بیشتر آسوریان نیز به واسطهٔ مبالغه‌گویی و اغراق‌هایی که در روایت خود از وقایع این ایام نشان داده‌اند، نتوانسته‌اند به روشن شدن حقیقت کمکی قطعی کنند و بنابراین فقدان ضرورت نگارش یک روایت منطقی و جامع از مسئلهٔ آسوریان طی دورهٔ مورد بحث به شدت احساس می‌شد. گرچه در اثر حاضر سعی شده است جوانب مختلف مسئله مورد بحث و بررسی قرار گیرد اما درک بهتر و دقیق‌تر این موضوع، به‌ویژه برای دانشجویان و پژوهشگران تاریخ، تنها با مطالعهٔ همزمان تحولات قفقاز و شمال‌غرب ایران ممکن خواهد شد. در اثر حاضر جدای از اشاراتی محدود، مجال پرداختن به آن ممکن نبود. با بررسی تحولات قفقاز پیوستگی و همانندی‌های تحولات این دو عرصهٔ جغرافیایی روشن خواهد شد. مهمترین نمونه‌های همانندی‌های این دو حوزه را می‌توان در زمینهٔ موارد ذیل ملاحظه کرد:

۱. مأموریت ژنرال دنسترویل در باکو و مأموریت کاپیتان گریسی در ارومیه یا به عبارت دیگر، سازماندهی ارمنیان و آذربایجانیان قفقاز علیه پیشروی قوای عثمانی و اجرای همین برنامه از طریق آسوریان و ارمنیان در ارومیه؛
۲. جنگ ارمنی و آذربایجانی در باکو و کشتار هزاران مسلمان آذربایجانی و کنترل کامل شهر توسط ائتلاف بلشویک-داشناک در سال ۱۹۱۸ و جنگ مسیحی و مسلمان در ارومیه و کشتار مسلمانان این شهر و کنترل کامل ارومیه در فوریهٔ ۱۹۱۸؛

۳. تصرف ارومیه توسط قوای عثمانی در ماه اوت و کشتار مسیحیان مقیم شهر، و تصرف باکو توسط عثمانی در ماه سپتامبر همان سال و کشتار مسیحیان این شهر؛

۴. متهم شدن انگلیسی‌ها از سوی مسیحیان قفقاز و ارومیه به خیانت به‌خاطر عدم یاری‌رسانی بموقع به آنان در برابر عثمانی‌ها به‌رغم مواعید قبلی؛

۵. و بالاخره اینکه مسیحیان چه در قفقاز و چه آنانی که از حکاری و ارومیه بودند پس از خاتمه جنگ هر دو بر این باور پافشاری می‌کردند که قربانی بی‌مهری متفقین شده بودند.

بنابراین روشن است که بررسی مسئلهٔ آسوریان ارومیه در جنگ جهانی اول بدون ارتباط با تحولات قفقاز و حتی عثمانی میسر نیست. در این بررسی برخلاف آنچه تاکنون مرسوم بوده، در بحث از آسوریان به جای استفاده از واژهٔ جلو بسته به جماعت مورد بحث، از آسوریان و نسطوریان^۱ استفاده شده و آنجا که آسوریان و نسطوریان هر دو مراد بوده از نام کلی‌تر آسوریان استفاده شده است. بر همین اساس هرجا ارمنیان و آسوریان و نسطوریان مدخل کرده‌اند روی هم‌رفته تحت عنوان کلی مسیحیان مورد بحث قرار گرفته‌اند. تأکید بر این نکته ضروریست که انتشار پژوهش حاضر با این امید صورت گرفته که همچون زمینه‌ای جهت تحقیقات و پژوهش‌های آتی مورد توجه پژوهشگران و علاقمندان تاریخ معاصر ایران قرار گیرد. در پایان لازم می‌دانم راهنمایی‌های دلسوزانه و زحمات بی‌پایان استاد بزرگوارم جناب آقای کاوه بیات را به‌خوبی به‌یاد داشته باشم و تقدیر و سپاسگزاری ویژه به‌عمل آورم. کتاب حاضر را به پشوانه‌های همیشگی و حامیان بی‌دریغم، پدر و مادر ارجمندم تقدیم می‌دارم.

سوان خسروزاده

(ت. ک. اکسا) پاییز ۱۳۹۶

۱. نسطوری به کسی گفته می‌شد که مارشیمون را پیشوای دینی خود می‌دانست اما آسوری بسیار کلی‌تر بود و می‌توانست حتی علاوه بر کلدانی‌ها، نسطوریانی که به ارتدکس و کاتولیک تغییر مذهب داده بودند و حتی آنانی که بر مذهب نسطوری باقی مانده بودند را نیز در برگیرد، به عبارت دیگر هر نسطوری یک آسوری بود اما هر آسوری الزاماً نسطوری نبود. آسوری عنوانی نژادی بود و آسوریان را از هر فرقه‌ای شامل می‌شد اما نسطوریان تنها آن بخش از آسوریان بودند که از مارشیمون پیروی می‌کردند و مفهومی دینی و آیینی داشت.